

ای ستاره ها که بر فراز آسمان
با نگاه خود اشاره گر نشسته اید
ای ستاره ها که از ورای ابرها
بر جهان نظاره گر نشسته اید

آری این منم که در دل سکوت شب
نامه های عاشقانه پاره می کنم
ای ستاره ها اگر به من مدد کنید
دامن از غمش پر از ستاره می کنم

با دلی که بویی از وفا نبرده است
جور بیکرانه و بهانه خوشتر است
در کنار این مصاحبان خودپسند
ناز و عشوه های زیرکانه خوشتر است

ای ستاره ها چه شد که در نگاه من
دیگر آن نشاط و نغمه و ترانه مرد
ای ستاره ها چه شد که بر لبان او
آخر آن نوای گرم عاشقانه مرد

جام باده سر نگون و بستم تهی
سر نهاده ام به روی نامه های او
سر نهاده ام که در میان این سطور
جستجو کنم نشانی از وفای او

ای ستاره ها مگر شما هم آگهید
از دو رویی و جفای ساکنان خاک
کاینچنین به قلب آسمان نهان شدید
ای ستاره ها ، ستاره های خوب و پاک

من که پشت پا زدم به هر چه هست و نیست
تا که کام او ز عشق خود روا کنم
لعنت خدا به من اگر بجز جفا
زین سپس به عاشقان با وفا کنم

ای ستاره ها که همچو قطره های اشک
سر به دامن سیاه شب نهاده اید

ای ستاره ها کز آن جهان جاودان
روزنی بسوی این جهان گشاده اید

رفته است و مهرش از دلم نمی رود
ای ستاره ها ، چه شد که او مرا نخواست ؟
ای ستاره ها ، ستاره ها ، ستاره ها
پس دیار عاشقان جاودان کجاست ؟

فروغ فرخزاد